



تفاوت جهاد با نفس در اسلام با ریاضت در دیگر مکاتب / صرف ریاضت انسان را بهشتی نمی‌کند

یک پژوهشگر مطالعات معنوی با اشاره به تفاوت جهاد با نفس از منظر دینی با دیگر مکاتب مراقبه، تصریح کرد: هدف آموزه های اسلامی از جهاد با نفس تنها رسیدن به نیروها و قابلیت‌های فراطبیعی نیست، بلکه هدف غایی عمل مبتنی بر خواست خدا و مبارزه با نفس است.

یک پژوهشگر مطالعات معنوی با اشاره به تفاوت جهاد با نفس از منظر دینی با دیگر مکاتب مراقبه، تصریح کرد: هدف آموزه های اسلامی از جهاد با نفس تنها رسیدن به نیروها و قابلیت‌های فراطبیعی نیست، بلکه هدف غایی عمل مبتنی بر خواست خدا و مبارزه با نفس است.

محمد حسین کیانی مدیر گروه جنبش های نوپدید دینی پژوهشکده باقرالعلوم (ع) در گفتگو با خبرنگار مهر، درباره جهاد با نفس از منظر اسلام گفت: نفس آدمی هر گاه به سوی بدی و پلیدی و زشتی‌های سوق می‌یابد، ایده مقابله با آن اهمیت یافته و تلاش برای راهنمایی او به سمت خوبی و پاکی و زیبایی‌ها مطرح می‌گردد. به بیان ساده، به چنین جهد و تلاشی «جهاد با نفس« گفته می‌شود.

وی افزود: در آیات قرآنی نیز تأیید شده که نفس، آدمی را به بدی فرمان می‌دهد إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ و اینکه هنگامی که نفس به سوی بدی‌ها و پلیدی‌ها می‌رود در برابر خواست خداوندی قرار گرفته و سکان هدایت آدمی را بر خلاف جهت خواست خداوندی به دست می‌گیرد. قرآن کریم نیز صراحتاً اعلام می‌دارد که «سعدت و بهشت« جایگاه هر آن کسی است که اولاً، از مقام و منزلت پروردگار خود و از ایستادن در برابر او بترسد (اصل اول: عمل مبتنی بر خواست خدا)

ثانیاً؛ نفس را از هواها و بدی‌ها منع کند (اصل دوم: مبارزه با نفس) وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ.

سردبیر فصلنامه مطالعات معنوی تصریح کرد: هر کسی که بر خلاف خواسته‌های نفسانی به مبارزه برمی‌خیزد و بر خلاف آن عمل می‌کند، در پس مبارزه با خواسته‌های نفسانی اراده خود را قوی کرده و بعد غیرطبیعی خویش را تقویت کرده است. لازمه تقویت هر چه بیشتر بعد روحی انسان به شکل کاملاً عادی موجب ایجاد توانایی‌ها و تبلور نیروهای روحی آدمی می‌شود. اما صرف اینکه کسی به نیروهای روحی و غیرطبیعی دست یافته به معنای «سعدت و تنعم از بهشت« نیست؛ چرا که چنانچه عرض کردم لازمه چنین سعادت، پیروی از دو اصل است. و اصل بنیادین نیز «اصل اول« است، بدین‌معنا که از خدا بترسد و مبتنی بر خواسته او عمل کند.

کیانی تأکید کرد: لازمه عمل به اصل دوم رسیدن به نیروها و توانایی‌های فوق بشری نظیر خارج کردن روح از بدن، طی‌الارض و ... است. چنین فردی با این توانایی‌ها ممکن است به خدا نیز اعتقادی نداشته اما به صرف مبارزه و ریاضت نفس به چنین توانایی برسد. نمونه چنین افرادی اکنون در آسیای شرقی بالاخص در میان مرتاضان تبتی و هندی فراوان یافت می‌شود. چنین کسانی به واسطه ریاضت نفسانی به نیروهایی دست یافته‌اند اما انسان‌های سعادتمندی (لااقل سعادت‌ی که در ادیان توحیدی به آن بشارت داده‌اند) نبوده و به واسطه این عملشان به بهشت نیز نخواهند رفت. در واقع برای بسیاری از آنان بهشت و سعادت واقعی رسیدن به چنین نیروهایی است و نه چیز دیگر!

وی در پایان یادآور شد: اما هدف آموزه های اسلامی از جهاد با نفس تنها رسیدن به نیروها و قابلیت‌های فراطبیعی نیست، بلکه هدف غایی «اصل اول« است و «اینکه مبتنی بر اصل اول به اصل دوم مبادرت ورزیدن«. چنین کسی نه تنها از نیروهای عمیق‌تر و پایدارتر روحی در این دنیا برخوردار می‌شود (هر چند که باید توجه داشت که هدف چنین افرادی به هیچ عنوان کسب نیروی خارق‌العاده نیست، چنانچه قبلاً نیز عرض کردیم لازمه طبیعی ریاضت و مبارزه با نفس، قوت روح و تقویت یافتن نیروهای روحی است.) بلکه از آرامش عمیق روحی نیز محظ شده و به سعادت و بهشت واقعی نیز نائل خواهد شد. با اندک مطالعه خاطرات بزرگان دینی نظیر آیت‌الله بهجت، آیت‌الله بهاء‌الدینی و آیت‌الله مرعشی و ... می‌توان بسیاری از این شواهد را جستجو کرد.